

مصاحبه با

روحانی برجسته اهل سنت

شیخ سعید شعبان

رهبر جنبش توحید

اسلامی طرابلس



شیخ سعید شعبان چهره مبارز و محبوب طرابلس در لبنان است و گذشته از اینکه یکی از علمای برجسته اهل سنت به شمار می آید، همواره در مسائل سیاسی لبنان، با قاطعیت در برابر ابرقدرتها ایستادگی کرده و از حفظ انقلاب اسلامی، پیروی می کند.

ایشان رهبر جنبش توحید اسلامی است و به گفته خودشان، این جنبش برای حفظ وحدت اسلامی میان قشرهای مختلف مسلمان تاسیس و پایه ریزی شده است.

مجله پاسدار اسلام با این شخصیت طراز اول علمای اهل سنت لبنان مصاحبه ای ترتیب داده است که از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

هنگامی که انسان با نظام زندگی به مخالفت می پردازد، نشانه ای از پراکندگی وجدانی خواهی تلقی می شود، و چنین است انسان کافر و ملحد که نشانه ای از اختلاف و الگوئی از پراکندگی و تفرقه در این نظام جهان است که خداوند آن را آفریده و برای ما ترسیم نموده است. و همانا خداوند از آغاز پیدایش تاریخ، با نعمت هدایت بر بشریت مت نهاد و انسان نخستین را به سوی حق و حقیقت رهنمون شد و به او فهماند که آفریدگارش همان خدای یکتا است و لازم است که تنها او را پرستش نماید و گرنه سزاوار کرامت انسانی نیست و حضرت آدم «علیه السلام» را در بهشت خود جای داد و فرشتگانش را برای او به سجده و ادب و احترام و او را گرمی و تکریم نمود و از او خواست که از شیطان پیروی و اطاعت نکند و امری را بر او نثاروا دانست که به آن نیازی نداشت و تنها برای آزمایش و امتحان ایمانش او را نهی کرد ولی آدم «ع» به فریب شیطان گوش فرا داد و در نتیجه از جنت الهی خارج شد.

و چنین است شخص مسلمان که خداوند شریعتش را بر او فرستاد تا امر الهی را به او بشناساند، پس بر مسلمان واجب است که در داخل همین دایره امر الهی همگام با دیگر مسلمانان جهان بجزد و به حرکتش ادامه دهد. مسلمانان را کتابی است آسمانی که خدای بر آنان ارزانی داشت تا امر را از نهی و خیر را از شر تشخیص دهند، و قرآن گواه و حجت خدا بر آنان باشد، و همچنین پیامبری مهربان در میان آنان فرستاد تا به سوی حق هدایت و راهنمایان کند و عرب و عجم گرداگرد وجود مقدسش، با هم و در کنار هم زندگی کنند. مسلمانان نیز تا پیامبر بزرگ «صلی الله علیه و آله و سلم» در

انقلاب اسلامی ایران، وحدت اسلامی را مهمترین و اساسی ترین عامل پیروزی مسلمانان می دانند. نظر شما درباره وحدت قشرهای اسلامی چیست؟ و چه راه هایی را برای رسیدن به این وحدت، توصیه می کنید؟

وحدت اساس عقیده مسلمانان را تشکیل می دهد. وحدت برانگیخته از ایمان مسلمین به وحدانیت خداوند و هماهنگی نظام الهی در جهان است، و مردم جزئی از این ملکوت اند که خداوند آفریده و حرکتی منظم و منجم در آن ایجاد کرده است. پس سزاوار است مسلمانان در مدار شریعت الهی حرکت کنند همانگونه که ستارگان در مدارهای خود به حرکتشان ادامه می دهند. و هر اختلاف و ناهماهنگی در چرخش شریعت، به بدبختی و فلاکت و هرج و مرج منجر می شود.



میانشان بود، به همان وحدت و انسجام ادامه می دادند، و پس از رحلت آن حضرت، اختلافی پیدا شد که هرگز روا نیست این اختلاف در تمام نسلها ادامه یابد.

و حال که ما در صدد آنیم، امت را بر اساسهای محکم شریعت استوار سازیم پس بر ما است به همان اصلی که پیامبر «ص» از آن حرکت خود را آغاز کرد، باز گردیم، چه در آن دوران، نام و نشانی از مذہبها و گروه های گوناگون نبود، و همان اسلام ناب دین مردم بود و بر جامعه حکمفرما که «و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» - و هر کس بجز اسلام دینی برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است.

آری! آن زمان فرقه ها و گروه ها وجود نداشتند و هدایت تنها از نور محمدی برانگیخته شد و به ما رسید و هم اکنون هر که خدا را به وحدانیت بشناسد و رسالت را تصدیق کند و قرآن را بپذیرد و در نمازش روزه قبله و در نیایشش سر به آستان الهی بگذارد و ارکان اسلام و ایمان را باور داشته باشد، او را از امت اسلامی می دانیم و یکایک افراد امت اسلامی را از اهل نجات می دانیم و سخن آنان که تنها خود را نجات یافته می دانند، نمی پذیریم. و گرچه و ابی از پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» رسیده است که برپراکنده گی و انقسام امت به گروه های بسیار دلالت دارد ولی اینها جزء فرقه هایی نیستند که خدا را به وحدانیت باور دارند و به نبوت و قرآن گواهی می دهند. بلکه این گروه ها همانهایی هستند که از اسلام جدا شدند مانند قادیانیت، بهائیت، درزی ها، کمونیست ها، ناسیونالیست ها (قومی ها) و دیگرانی که اسلام را رها کرده و با آن وداع گفتند.

و اما سنی ها و شیعیان و همه کسانی که برای خداوند متعال سر بسجده می نهند و خدا را می پرستند و کتابش (قرآن) را برنامه زندگی خود می دانند. ما همه اینها را امت واحد و برادران خود می دانیم و جایز نیست که با آنان اختلاف داشته باشیم، بلکه باید آغازگر برخورد ما با آنها، حجم گسترده ای از مسائل مورد توافق باشد - که چه بسیار است. و آن عبارت از اصولی است که مسلمانان در آنها اختلاف ندارند.

از این روی، ما در لبنان، جنبش توحید را محوری برای استقبال و پذیرش تمام مسلمانان می دانیم و همه مسلمانان را دوست داریم، و به هر مسلمان موحدی (در نمازها، ایمان) افتد می کنیم و همدیگر را تکفیر نمی نمایم؛ ما نه سنی ها را تکفیر می کنیم و نه شیعه ها را و نه هیچ گروهی از گروه ها که به اصول شرعی پایبند هستند.

ای کاش مسلمانان از کتاب خدا و سنت پیامبر «ص» پیروی می کردند تا اینکه خود را در برابر خدای متعال، هماهنگ و منسجم می یافتند و در آن

صورت، همکاری و معاونت نه تنها ممکن که واجب می شد. آری! همکاری بین مسلمانان - شرعاً - بر همه واجب است. ولذا من از برادرانمان در ایران می خواهم دعوت به وحدت را تعمیم دهند همانگونه که انقلاب اسلامی با این شعار به میدان آمد. از این راه که همواره گروه هایی را از مسلمانان دعوت کنند و نمایندگانی را برای تبلیغ اعزام دارند و مسلمانان را به سوی خدا دعوت کنند و آنان را به لزوم همکاری در توحید صفت اسلامی یاد آور شوند.

- نقش امریکا، شوروی و صهیونیسم بین المللی برای رودرروئی و مبارزه با اسلام چیست؟ و وظیفه مسلمانان در مقابله با ابرقدرتها و اسرائیل اشغالگر چه می باشد؟

- دشمن کافر، چه آمریکائی باشد و چه روسی و چه اسرائیلی و چه قومی، از فرزندان خودمان باشند یا از بیگانگان، تفاوتی با هم ندارند چرا که کفار عرب مانند کفار عجم و مانند یهود و نصاری هستند و همانا خدای متعال در قرآن، این مطلب را بیان فرموده: «ا کفار کم خیر من اولئکم ام لکم براءة فی الزبر» (۴۳، قمر) آیا کفار شما (از قوم شما) بهترند از دیگر کافران یا اینکه برای شما در کتابهای آسمانی، براءتی (از عذاب الهی) وجود دارد؟ و در هر صورت آمریکا، اسرائیل، شوروی و دیگر دشمنان نمی توانند ما را به شکست وادارند مگر اینکه ما آمادگی برای پذیرش فتنه ها و نیرنگهای آنان داشته باشیم پس اگر مسلمانان را یک نظر و یک رأی بود و یک صفت مرصوص را تشکیل می دادند، هرگز دشمن نمی توانست آزادانه در میهن اسلامی گشت و گذار

همه، مشکل فلسطین را مشکل خود می دانند پس چرا مشکل فلسطین را از مسلمانان دور نگه میدارند و می گویند: سازمان آزادیبخش، تنها نماینده قانونی ملت فلسطین است!! در حالی که این سازمان نه آرمان ملت فلسطین و نه عقیده او را باور دارد. بلکه چه بسا در انقسام وجدائی افکندن میان مردم فلسطین، کوشش کرده باشد.

ما برای پاسر عرفات آرزوی هدایت داریم و امیدواریم او و دیگر رهبران فلسطینی به دیدار ایران بیایند و در اینجا دست در دست انقلاب اسلامی بگذارند، کما اینکه امیدواریم در آنجا نیز با جنبش اسلامی لبنان هماهنگ باشند و از آغوشهای آنان که با ضربه زدن به مسلمانان و مشکل فلسطین، در پی ایجاد راه حلی برای مشکل خاورمیانه! هستند، بیرون آیند چرا که آنان هرگز بیرون کردن و طرد دشمن اسرائیلی را راه حل نمی دانند بلکه نظرشان به رسمیت شناختن اسرائیل و توان دادن به آن و ثبت کردن فلسطین به نام یهودیان برای همیشه می باشد.

و اما راه حل، پشت پا زدن به کنفرانس های بین المللی و مخالفت کردن با قرار داد کمپ دبوید و آغاز بیکار و مبارزه ای جدی و سازش ناپذیر. همین پیروی از انقلاب اسلامی- با رژیمهای دست نشانده و

داشته باشد و از فرزندان ما ارتشی بزرگ تشکیل دهد که اینان با اقت خودشان به ستیز بپردازند مانند قومی ها (ناسیونالیست ها)، یعنی ها، کمونیست ها و دیگر ملحدانی که از اسلام شانه خالی کردند و به کفر گرویدند و از آن پس، خواه ناخواه بزرگترین ارتش را برای دشمن در خاک اسلامی تشکیل دادند.

آری! آمریکا و سایر کشورها بسیاری از وسایل ویرانی را در اختیار دارند ولی من بر این باورم که آنچه از سلاحهای آمریکائی ویرانی آفرین تر و کشنده تر است، همان اختلاف و نزاع داخلی است که منجر به شکست می شود همانگونه که خداوند خیر داده است: «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم» پس اگر ما بخواهیم با آمریکا، شوروی، اسرائیل و دیگر دشمنان مبارزه کنیم، می بایست صفوف خود را از لوث جاسوسان و دست نشانده گان، تصفیه کنیم و با نام خدادست اخوت و برادری بهم دهیم و از آن پس، بی گمان خدای تعال ما را با نصرت خود یاری خواهد کرد چرا که خود وعده نصرت به آنان که خدا را یاری دهند، داده است «ان تصروا الله ینصرکم».

مسلمانان باید این حقیقت را درک کنند که ما هیچ ستون پنجمی از خودمان، در اسرائیل مشاهده نمی کنیم، در حالی که ستون های پنجم و ششم و دهم از فرزندان خودمان در میان ما وجود دارند که به نفع اسرائیل و یا روسیه کافر و با آمریکای استعمارگر، فعالیت می کنند، پس ما پیش از آنکه آمریکا را دشنام دهیم، می بایست به این فرزندانمان که همکاری با اسرائیل می کنند، ناسزا بگوئیم و با اینکه آنان را ندگر دهیم که به سوی خدا بازگردند و توبه کنند چرا که اخلاص و تعهد آنها نسبت به یهودیان بیش از خود یهودیان است. -جستابعالی تنها راه نجات فلسطین و سرزمین های اشغالی و آزادی ملت فلسطین را در چه می دانید؟

-ملت فلسطین طرح قومی (ناسیونالیستی)، موسیالیستی و ملی فلسطینی را تجربه کرده و سازمان آزادیبخش فلسطین، حل مشکل فلسطین را به عهده گرفته ولی از راه مادی و گاهی از دیدی ناسیونالیستی و از سال ۱۹۴۲ تا کنون، همواره ملت فلسطین عقب گرد کرده و از فلسطین (و آزادی آن) دورتر شده است و به اندازه یک وجب به آن نزدیک نشده است، و چندین بار توطئه ها برای از بین بردن ملت فلسطین به کار گرفته شده که گاهی توسط رژیمهای غربی و چندین بار هم بوسیله سازمانهای فلسطینی و گاهی بدست یهودیان استعمارگر انجام پذیرفته است.

ما معتقدیم تنها راه رهائی فلسطین و آزادی سرزمین فلسطین، همان راه وحدت اسلامی است و بر سازمان آزادیبخش است. اگر برآستی نسبت به مردم فلسطین اخلاص دارد. که اسلامی بودن انقلابش راه نه ناسیونالیستی بودن آن، اعلام کند و میان ملت مسلمان فلسطین و جنبش اسلامی لبنان و انقلاب پیروزمند اسلامی ایران، و سایر مسلمانان آزاده جهان هماهنگی و انسجام بدید آورد.

بر انقلاب فلسطین است که هویت اسلامی خود را بر ملا سازد و جهاد در راه خدا را همگام با همه مسلمانان آزاده جهان اعلام نماید تا اینکه برنامه آزادی فلسطین آغاز شود. مسلمین هم کم نیستند و





ذلت باز و با یهودیان اشغالگر که سرزمین ما را اشغال و ملت ما را آواره کردند، می باشد.

نظر جنابعالی راجع به جنگ ایران و عراق چیست؟

این جنگ در ایام شاه بر ارتش ایران تحمیل شد چرا که اودست نشانده آمریکا و زاندارم منطقه به حساب می آمد، ولی هنگامی که انقلاب ایران، هویت اسلامی خود را اعلام کرد، جنگ آغاز شد و این جنگ، از کلّ دنیای کفر بر ایران تحمیل شده است چه بلوک شرقی و چه بلوک غربی و همچنین چه از سوی اعراب و چه از سوی اسرائیل باشد و آن همه عیّنه و غده که روانه جبهه (کفر) می شوند و آن همه تبلیغات مسموم علیه انقلاب پیروزمند اسلامی، دلیل قوّت و نیرومندی انقلاب است نه ضعف آن، و اینها همه که برای شکست دادن به انقلاب دست بستند هم داده اند، قدرتی بالاتر از قدرت عصاها و بندهای ساحران فرعون ندارند که عصای حق، عصای موسی آنها را بلعید و اینجنین، انقلاب پیروزمند اسلامی که با عصای حق و شمشیر حق مبارزه می کند، کلّ این سحرها و جادوها را که برخی از مردم خیال می کنند در این جنگ ظالمانه به پیروزی دست می یابد، خواهد بلعید و به کام خود فرو خواهد برد، و به خواست خداوند منتهی خواهد شد به انقلاب های بسیاری در سراسر نقاط جهان اسلام، و همانا خداوند وعده داده است که ارتش خود را پیروز خواهد کرد «و ان جندنا لهم الغالبون» و هان! ما منتظر وعده الهی هستیم «و یسلونک منی هو قل عسی ان یتوبن قریباً». و از نومی پرسند: چه وقت خواهد بود؟ بگو: شاید وقت آن نزدیک باشد.

درباره مسافرتتان به ایران و نتایجی که در این سفر بدست

آوردید، آیا برای شما رضایتبخش و امیدوار کننده بوده است؟

در هر دیداری که از ایران داشتیم، برای ما ثابت شد، این اقلیتی که برای یاری حق بر باطل شوريد، انقلاب خود را نگه میدارد و از آن محافظت می کند. و همانا این انقلابی است اصیل و هرگز مانند انقلاب های دروغین نیست که با مطرح نمودن شعارهای آزادیخواهانه آغاز می شوند و با خضوع و سرزیری در برابر بلوک شرق یا بلوک غرب پایان می پذیرند.

بیشتر انقلابیانی که در جهان پدید آمده است، به یکی از دو بلوک وابسته شده و آنچه راجع به کشورهای عدم تعهد گفته می شود، صورتی بیش نیست، چرا که همه آنها، چه بخواهند و چه نخواهند، وابسته اند زیرا در اصل، دارای مبانی آزادیخواهانه راستین نیستند.

اما در ایران، احساس می کنیم با اسلام قرآن و با اسلام پیامبر

«ص» زندگی می کنیم نه اسلام مذهبها و گرایش های گوناگون. بلکه همان اسلام ناب درختانی که به صورت وحی از آسمان نازل شد و ما در اینجا محبت و اخوت و برادری و هماهنگی معنوی را در می یابیم. و هر چه بیشتر مسافرتان به طول انجامد شیرین تر می شود و قلب ها روشن تر و روزها درخشان تر می گردند و این دلیل صفای اهل انقلاب و صفای برادرانمان در ایران است، و این همان نعمت الهی است که درباره اش می فرماید: «و اذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً. و به یاد آرید نعمت خدا را بر شما آنگاه که با هم دشمن بودید، پس او بین قلبهای شما الفت پدید آورد و در نتیجه این نعمت، با هم برادر شدید. و برایشی که هیچ کس در جهان لذتی را مانند این لذت که برادران خدا جوئی که در راه خدا و برای خدا با هم برادر شده اند، احساس می کنند نخواهند یافت. و از این روی ما اطمینان داریم خداوند قلبهای آکنده از عشق به او را نادیده نمی گیرد و تلاش سربازانی که با نثار خون و مال و فرزندان خویش در راه یاوری حق پیکار می کنند، ضایع نخواهد کرد چرا که خداوند کریم است و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند «ان الله لا یضیع اجر من احسن عملاً».

آینده حکومت در لبنان چیست و چه راهی برای محقق شدن حکومت اسلامی در لبنان وجود دارد؟

ما بر این باوریم که مبارزه در لبنان طولانی خواهد بود، تا اینکه طرح اسلامی تکامل یابد. و به تحقیق، توان برقراری یک رژیم ملی در لبنان، بسیار دشوار است و اگر طرحی را به زور بخواهند بر مردم تحمیل کنند، پیروزی و دوام نخواهد داشت، و لذا ما معتقدیم بهترین فرصت ها برای برپائی حکومت الله در زمین، در این است که انقلاب اسلامی ایران، دست همکاری را به سوی مسلمانان لبنان دراز کند، تا اینکه طرح

مسلمانان در این حلقه از زمین و با این گروه از همت مسلمان به تکامل رسد.

مسلمانان لبنان تاکنون وحدت خود را تکامل یافته نمی دانند و از این روی، باید مساعدت و همکاری را از انقلاب اسلامی دریابند تا اینکه به لزوم برقراری وحدت صفوف خویش مطمئن شوند، پیش از آنکه در اثر فتنه انگیزهای برخی از رژیم ها و برخی از مستکبران، جنگ داخلی را بر آنها تحمیل کرده و آنان را به جان هم اندازند. و جنگهای دردناک بیروت، که بین لبنانی ها و فلسطینی ها با بین سنی ها و شیعی ها، در گرفت، همان ها کسه حتی نام اسلام را بر خود نمی گذارند و تنها پیروی از برخی اهداف ملی گرایانه تنگ بینانه می کنند، این جنگ ها تا اندازه ای طرح وحدت اسلامی را به تأخیر انداخت و بر برادران ما در تهران است که «جنش اهل» را نصیحت کنند تا در راه خدا با «حزب الله» همگام شود و ما هرگونه خصومت و دشمنی با حزب الله را بزرگترین فرصت استعماری برای از بین بردن وحدت اسلامی می دانیم.

نقش برادران ما در ایران این است که نگذارند برادران ما در اهل و در حزب الله به لبنان باز گردند (نماینده گان اهل و حزب الله) مگر اینکه با هم به وحدت رسیده باشند و اما آنانکه اصرار بر ایجاد شکاف در صف اسلامی دارند باید به وسیله ای کنار گذاشته شوند، و این وسیله همان وحدت مخلصان است که سوداگران به نام اسلام و گروه گرایان را به انزوا می کشاند.

لطفاً نظر خود را در مورد ملاقات با امام بیان فرمائید؟
پیش از اینکه کسی با حضرت امام دیدار کند ممکن است تصور دیگری از ایشان داشته باشد ولی هنگامی که روبروی این انسان می نشیند می فهمد که خداوند سرش را در ضعیف ترین بند گانش فرامی دهد. من امام را آنسانی ربانی و متواضع یافتیم که چشم به رحمت خدا دوخته است، و همین تعلق و عشق او به الله است که خداوند او را که در غربت، آواره از وطن و در بدر می زیست همواره یاری داد. و خداوند با یاری دادن به امام به ما می فهماند که یاری خود را از هر کس که در راه امام گام برمی دارد. که همان راه راستین تبت است. دریغ نخواهد داشت اینکه یک پسر مرد سالخورده بر کشورهای جهان پیروز گردد و آن سدی که از سوی استعمار جهانی بر ایران زده شده بود بشکند، این انسانی که نزدیک به ۹۰ سال عمر دارد و تمام بشریت را (بشریت مستکبر و مستمکن) به مبارزه می طلبد، به ما می فهماند که بی گمان او روح خدا است که نصرت خدا در شبانه روز با او همراه است، پس او امامی است که به حق پیوسته است و حق تعالی نباید و نصرتش را از او بر نخواهد داشت.

سزا است که مسلمانان ایران، قدر و منزلت امام خود را بشناسند و پیوسته همراه او باشند، رهنمودهایش را بشنوند و اطاعت کنند چرا که خداوند امر کرده است ما را که از الله و پیامبرش و اولی الامر پیروی و اطاعت کنیم و لازم است آنها که نسبت به ایشان بی تفاوت هستند، از خدا بترسند و همگام با علماء و مبارزان، در کنار او باشند زیرا بدل از ایمان، کفر است و بدل از اسلام، شرک و بدل از امام، طاغوت. آیا می پذیرند که طغیان و ستم به ایران باز گردد و شاهی دیگر بیاید که برای حفظ منافع آمریکا حکومت کند؟! و بعد از حق چه می ماند غیر از گمراهی و باطل؟ «وماذا بعد الحق الا الضلال».

از خداوند مسئلت می نمایم عمر این امام را که خدای تعالی بوسیله او، مسلمانان را پس از انتظاری زیاد، عزت بخشید، طولانی گرداند. و از خداوند می خواهیم به علمای ایران و ارتش و سپاه و تمام دست اندرکاران الهام کند که همواره در خدمت امام باشند و او امر و دستوراتش را با جان و دل بپذیرا گردند و از او اطاعت کنند که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند «ان الله لا یضیع اجر المحسنین».

با تشکر از شما که به عنوان یک حجّت و یکی از برادران دانشمند اهل سنت، نقش عظیم و مهم خود را در این شرایط حسّاس تاریخ اسلام، به احسن وجه ایفا می کنید، و ما ضمن اینکه نمی توانیم احساس و علاقه و محبت خود را نسبت به شما توصیف کنیم، توفیقات روز افزون حضرتعالی و پیروزیهای پی در پی شما را در لبنان مظلوم، از خدای متعال خواستاریم.

ما هم از شما استدعا داریم برادرانمان را با دعای خیر یاد کنید و آنها را یاری کنید که آنان مستضعف اند و کفر جهانی بر آنها همچنان ستم روا می دارد. ما همیشه به شما می نگریم همانگونه که هارون به موسی می نگرست. و خداوند بنده خود را یاری می بخشد، مادام که او برادر مسلمانش را یاری می دهد. والسلام علیکم

